فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc469951372)

[آسیب‌های متوجه احادیث 2](#_Toc469951373)

[تقطیع متقدم و متأخر 3](#_Toc469951374)

[تقطیع قرائن واضحه و غیر واضحه 3](#_Toc469951375)

[حاصل کلام 5](#_Toc469951376)

[تقطیع قرائن حالیه 5](#_Toc469951377)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ لزوم فحص از مخصص

# اشاره

در بحث فحص از مخصص منفصل؛ پس از بررسی مسائل و ادله؛ بیان شد که نکاتی در ذیل آن؛ قابل مداقه و توجه است، بعضی از این نکات؛ نکات مهم و مورد ابتلا هست که؛ جاهای دیگر هم می‌شود؛ بحث کرد، اما با توجه به‌تناسب این بحث؛ اینجا ذکر کردیم.

در باب تقطیع مواردی بیان شد، مسئله تقطیع در روایات؛ مسئله‌ای شبیه نقل به معنا و تعارض روایات است، این بحث سابقه داشته و از زمان ائمه معصومین بوده است و نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد؛ بحث تقطیع؛ بحث عارضی؛ توسط طبقات متأخر از عصر معصومین نیست، بلکه در عصر معصومین بوده و خود معصومین هم به این مسئله توجه داشته‌اند، در باب نقل به معنا؛ شاهد این هستیم که در زمان ائمه این مسئله مطرح بوده و مورد سؤال هم قرارگرفته است.

# آسیب‌های متوجه احادیث

آسیب‌های متوجه به حدیث یا مشکلاتی که در جلوی احادیث قرار داشته است، مهم‌ترینشان به قرار زیر است:

 1- تعارض روایات

 2- نقل به معنا

 3- وجود تقیه

 4- نسبت احادیث؛ ازلحاظ عموم و خصوص، اجمال و تبیین و نسبت احادیث با قرآن

5- تقطیع

تقطیع به دو قسم اساسی تقسیم می‌شود:

 1- تقطیع توسط روات در همان عصر حضور .

 2- تقطیعی توسط گردآورندگان حدیث در اعصار متأخر؛ یعنی آن‌هایی که مجامع حدیثی را نگارش کرده‌اند، همانند کلینی، شیخ؛ تقطیع‌هایی انجام‌ داده‌اند ، بخصوص در عصرهای متأخر؛ مثل صاحب وسائل و امثال این‌ها.

# تقطیع متقدم و متأخر

 لذا تقطیع به متقدم و متأخر تقسیم می‌شود، تقطیع متقدم؛ یعنی آن طبقه اولی که از امام استماع کرده‌اند؛ روایات را جدا کرده‌اند.

تقطیع متأخر؛ روایت را طبقه اول درست و بدون تقطیع منتقل کرده‌اند، اما طبقات متأخری که این‌ها را جمع می‌کردند، در جمع و نقل؛ روایات را جدا کرده‌اند.

تقطیع گاهی پیوسته است؛ یعنی مجموعه بحث و موضوع پیوسته را تقطیع می‌کند، گاهی تقطیع مباحثی است که؛ در یک مجلس آمده است؛ اما موضوعات متعدد است، مثل حدیث اربعمأة است که؛ احادیث مختلفی آمده است.

حدیثی که در مورد زن‌ها آمده است که؛ «إنّ النِّساءَ نَواقِصُ العُقولِ»،[[1]](#footnote-1) ظاهراً می‌بایست تقطیع بشود، برای اینکه ظاهراً آنجا استثنا داشته است به «الا من جربت بکمال عقلٍ»[[2]](#footnote-2)، در اینجا؛ اوج تقطیع انجام‌شده است، کل معنا در اینجا عوض‌شده، مورد دیگر اینکه؛ امام؛ ابالخطاب را لعن می‌کند، خدا لعنت کند؛ ابالخطاب را که در کلام ما تصرف کرده است.

# تقطیع قرائن واضحه و غیر واضحه

تقسیم دیگری که در تقطیع وجود دارد این است که؛ گاهی قرائن واضحه را فردی تقطیع می‌کند، این‌یک خیانت است، مثل‌اینکه راوی آنچه از امام شنیده است این است؛ «هن نواقص العقول الا من جربت بکمال عقله»؛ «الا من جربت بکمال عقله » را در اینجا برداشته است و این کلام را نقل کرده است، این نقل؛ به شکل خیلی واضح؛ مغیر معناست و این جایز نیست و خیانت است.

یک نوع تقطیع‌هایی است که؛ یک امر واضحی را تغییر نداده است و خیانت نکرده است، اما فی‌الواقع امکان دارد که تغییر بدهد، برای اینکه همه دقایق را ممکن است که توجه نداشته است، فرد دقیق‌تری؛ این کلام را کامل به او بدهند؛ چیزهایی را می‌فهمد که او نمی‌توانسته بفهمد و تقطیع کرده؛ به خاطر اینکه سطح فهمش به این صورت بوده است.

حال در برابر این سؤال که آیا تقطیع جایز است یا خیر؟

گفته می‌شود تقطیعی که مغیر معنا باشد؛ شبیه نقل به معنا مغیر باشد؛ جایز نیست و خیانت است، اما تقطیعی که مغیر نباشد، به خاطر اینکه دو موضوع؛ از هم جداست یا چیزهایی از این قبیل است، جایز است، عین نقل به معناست، نقل به معنای مغیر و غیر مغیر است.

ملاک جواز تقطیع و عدم جواز تقطیع؛ مغیریت معناست و آنی که مغیر باشد؛ جایز نیست و آنی که مغیر نباشد؛ جایز است، مواردی هست که؛ فردی که تقطیع می‌کند؛ تردید دارد که؛ آیا مغیر است یا نه، در این صورت هم جایز است.

تقطیع ازاینجا پیداشده که خواسته‌اند روایات؛ طبقه‌بندی موضوعی بشود، اگر بخواهند همه احادیث را به‌طور کامل در این موضوع نقل بکنند؛ حجم زیادی پیدا می‌کند، مثل کتب اربعه تا منابع متأخر؛ زمانی که موضوع‌بندی می‌کنند؛ تقطیع انجام می‌گیرد، برای تسهیل نقل و اینکه انباشته نشود، اگر احتمال تغییر در معنا می‌دهد؛ نباید تقطیع بکند، یا باید آنجا ارجاع بدهد که؛ طرف مقابل بداند؛ کامل روایت کجاست و به کجا باید مراجعه بشود، صاحب وسائل در همه‌جا این کار را انجام نداده است، اما در تحقیقی که مرحوم ربانی و دیگران کرده‌اند؛ تک‌تک نشان می‌دهد که؛ أورده بتمامه در فلان باب یا مرحوم آیت‌الله بروجردی در جامع‌الاحادیث؛ در هر بابی؛ کل حدیث را می‌آورد و تقطیع نمی‌کند.

مطلب دیگر این است که؛ اگر تردید داریم در اینکه؛ تقطیع شده یا نشده؛ اصل چیست؟ مثلاً یک‌جمله‌ای از امام نقل شد؛ احتمال تقطیع می‌دهیم، اصل عقلایی این است که؛ اصل عدم تقطیع است.

ممکن است در خصوص یک راوی یا یک کتاب؛ اصل تقطیع باشد، اما در شرایط خاص است، اگر قرائن خاصه‌ای در باب یک کتاب، یا راوی نباشد، اصل عدم تقطیع است، یک راوی ممکن است باشد که؛ حواس‌پرتی داشته و همه سخنان را یادداشت نمی‌کرده، در این صورت عدم تقطیع جاری نمی‌شود.

در طبقات متأخر تابع هر کتابی است، مثل جامع‌الاحادیث شیعه؛ اصل عدم تقطیع است، اما وسائل را ببینید؛ در خیلی از جاها؛ اصل را بر عدم تقطیع نمی‌توان گذاشت، یا در کتاب الحیاة نمی‌توان؛ اصل را بر عدم تقطیع گذاشت و باید حتماً به منبع اصلی‌اش مراجعه کرد، برای اینکه تقطیعش بسیار است و دیدگاه‌های خاص خودش را هم دارد و در طبقه‌بندی حاکم شده است.

# حاصل کلام

حاصل سخن این است که؛ روایاتی که از طبقه اول به دست ما رسیده و تقطیع‌های ثانوی، متأخر و عارضی‌اش را هم حل کردیم، تقطیع اصلی که در مورد تقطیع متقدم باشد؛ اصل عدم آن است، اگر از تقطیع ثانوی مطمئن بشوید نسبت به تقطیع اولی؛ اصل عدم تقطیع است.

در تقطیع تقسیمات را بیان کردیم، سابقه را بیان کردیم به دو سؤال جواب دادیم که آن کسی که می‌خواهد تقطیع عمل کند آیا جایز است یا نه؟ هل یجوز التقطیع ام لا که سه صورت دارد، تفصیل دادیم . برای ما نیز که شک در تقطیع داریم می‌گوییم اصل عدم تقطیع است.

همه این مسائلی که بیان شد؛ مربوط به قرائن متصله است، برای انعقاد مدلول استعمالی واضح کلام، اما قرائن منفصله؛ قبلاً بیان شد و باید فحص بکند، برای اینکه آنجا؛ قراری نیست که؛ هر چیزی که منفصل است؛ در آنجا بیاورد، ائمه و روات؛ منفصلات را قرار نداشتند؛ متصلش کنند و در یکجا بیاورند و لذا باید فحص کرد.

# تقطیع قرائن حالیه

همه‌چیزهایی که بحث شد؛ تقطیع از قرائن لفظیه بود، اما تقطیع از قرائن حالیه صدور حدیث به چه صورت است؟ حدیث در شرایطی صادرشده که؛ شرایط ممکن است معنایی به این کلام می‌داده و در فهم آن مؤثر بوده، این همانی است که؛ بعضی به‌عنوان یک مشکل بزرگ در مقابل حدیث مطرح می‌کنند و می‌گویند؛ نمی‌شود به احادیث عمل کرد، برای اینکه حدیث در آن ظرف زمانی و در آن زمینه خاص تاریخی صادرشده و آن احوال حافه به کلام؛ همه در فهم کلام مؤثر است و آن احوال؛ مقتضیات زمان و شرایط بوده؛ آن‌قدر زیاد است و احتمال دارد؛ وجود داشته که الآن دست ما نیست، این تقطیع لفظ می‌باشد از آن متن تاریخی و از آن شرایط اجتماعی و محیطی که در فهم متن اثر داشته است.

1. - نهج البلاغه خطبه 80 [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان [↑](#footnote-ref-2)